

تزدیکتر بنظر آیند مشروط بر آن که در هذیانات
و خرافات نیفتاده و غلو نکنند چون هرگاه
بطرف مبالغه و غلو میل کنند از حقیقت و
صواب دور خواهند افتاد.

سؤال سوم

اما کلام راجع ببقا و بقی این يك
مسئله ایست که جمع کولات و تا بخردان
بی آن که چشم خرد گشایند و حقیقت را درك
کنند دلباخته و فریفته آن شده اند چون بقا
در حقیقت جز اتصاف و وجودی بوجو در مدت
معینی نباشد و چون وجود بهیچ وجه توجیهی
بمدت ندارد و بقاء متضمن مدت معین میباشد
بنابر این وجود اعم از بقا نخواهد بود پس
نسبت وجود و بقا جز نسبت عموم و خصوص
میتوان بود (اشاره به نسبت عموم و خصوص

در منطق است) و تعجب در این جا است
که قائل این قول اعتراف میکند که وجود
و موجود در عالم اعیان واجد معنی واحدند
اگر چه در نفس امتیاز و افتراقی دارند.
ولی چون موضوع بقا میرسد گمراه نمیشود.
و اما کلام جدلی که پناهگاه آنها برای ارتکاب
محالات اولیه شده است این است که سؤال
میککنند. آیا اینجا چیزی که موصوف بیقا
باشد موجود است پس اگر جواب منفی بآن
ها داده شود و میگویند پس لازم میآید باقی
وجود نداشته باشد و بنابر این وجود
موجودات کیست؟ و کیست آنها را بر غم شما
بواسطه تعاقب و ایجاد در انات متوالیه ایقا
میکند؟ در صورتیکه با اقامه برهان بر

بطلان آنات متوالیه باز از روی مسامحه و
سهل انگاری قول شمارا مسلم میدانیم و اگر
بآنها جواب بدهند که چنین موجودی که به
تعاقب ایجاد کند موجود نیست شدید
ترین و ناهنجار ترین محلات لازم می
آید و تصور میکنم از دادن چنین جوابی
تجاشی کنند و هرگاه جواب بدهند در
اینجا یک چیز باقی وجود دارد و بآنها گفته
شود هرگاه این باقی بقاء زائد بر ذات
خود باشد این بقاء از این خالی نتوان بود که
با پیوسته باقی خواهد بود و با باقی نخواهد
بود پس هرگاه باقی تصور شود بناچار این
باقی بباقی دیگر ارتباط پیدا میکند و آنهم
بباقی دیگر و در فرجام کار بتسلسل میگردد
و این محال است و هرگاه این بقاء باقی نباشد

پس چگونه این باقی میتوان با آن که بقائی که ما به بقاء آن است خود غیر باقی است باقی بماند این هم محال بنظر میرسد مگر آنکه از این ها گذشته و بی آنکه متوجه نقایض آن شوند بگویند این باقی بیقاهای متصله متشافعه دانند مغوالیه باقی خواهد بود در این موقع در معرض سؤال واقع میشوند و از آن ها سؤال میشود کلام خود را شروع کنند و بگویند معنی بقاآت متوالیه چیست هرگاه مراد شما از این کلمات است که باقی پیوسته باقی خواهد بود این معانی تا هنگامی سزاوار تواند بود که باقی بوصف باقی بودن متصف است مدت زمانی بقا باید و اگر چنین نباشد بقا و باقی معنی هر دو نخواهد داشت هر گاه آنها را وجودات متشافعه تصور کنند فیلا بدیوت پیوست که وجود

و بقا دارای معنی واحدند و بقاء عبارت از استمرار
وجود یا اتصاف موجود بوجود بانوجه بمدت
نیست چون وجود مطلق جائز است که در آن
معنی از زمان باشد و برای بقاء جایز نیست مگر
آنکه در مدتی باشد این است تمام وجوه جدل
که بآنها ممکن است بوقوع پیوند دبا ارائه طریق
مخذول کردن آنها و در حقیقت چنان بنظر
من میرسد آنکه از حیث قوای عقلی اینقدر
ضعیف باشد که تا این درجه از معقولات را
نمیتواند درك کند حقیقت را نمیتواند کشف کرد
اینست آنچه در حال بخاطر من گذشت

پایان

نظامیه بغداد

از امتیازات دوره اول سلجوقی یعنی از سال ۴۳۱ که طغرل اول در نیشابور بر تخت سلطنت نشست تا سال ۴۸۵ که سال وفات سلطان ملکشاه سلجوقی است وزارت ۳۰ ساله خواجه نظام الملک است که در پیشرفت علوم ادبیات مؤثر افتاد

ابو علی حسن ابن اسحاق بن عباس ملقب به خواجه نظام الملک بزرگترین وزرای نامی و دانش پرور عهد سلاجقه است که دولت سلاجقه در سایه حسن تدبیر و لیاقت او به عالیترین درجه بسط و اقتدار رسید در ترویج و تجلیل علماء و بزرگان از هیچگونه بذل

مساعی در ریاضی نمود و در نتیجه اعتقادی
که با حکام نجوم داشت در رواج علوم ریاضی
خاصه هیئت و نجوم همت گماشت و بر اثر
تشویق او علماء و بزرگان چون غزالی
عمر خیام، عبدالرحمن خازنی، ابوالمظفر
اسفراری پنداشته اند

نظام الملک علاوه بر آنکه با بسط
سلطنت سلجوقی اقتدار از دست رفته را زنده
و وحدت سیاسی ایرانرا تجدید کرد در
نشر علوم معارف بذل جهد نمود و نخستین
دارالعلم اسلامی را در بغداد و سایر شهرهای
ایران بنا کرد

قبل از آنکه نظامیه های نیشابور
بغداد و غیره تاسیس گردد مدارس از قبیل

مدرسه بی‌هقی مدرسه سعدیه در شهر های
و عراق دائر بود دولت و حکومت وقت در
در پیشرفت علوم معارف مداخله نداشت و
شاید از نظر كمك محصلین مدارس مزبور
مقرری سالیانه در باره هریك از معلمین
و متعلمین بر قرار کرده بود . نظام الملك
اصولا در تحت نفوذ حكومت سلجوقی بتأسیس
نظامیه ها پرداخت و بدین ترتیب اولین
قدمی که از طرف هیئت حاکمه برداشته شده
بهت شخصی نظام الملك است .

بعد از نظام الملك خلفای عباسی نیز
در بغداد بتأسیس مدارس چون مدرسه مستنصریه
و غیره پرداختند و بدین طریق دامنه علوم
و ادبیات اسلامی را بسط دادند و عالم را بواسطه
چراغ علم و معرفت روشن ساختند

نظامیه بغداد در حدود ۴۵۷ تأسیس
و بنیادش ولی در ۴۵۹ رسماً افتتاح یافت
خواجه نظام الملک برای تأسیس این مدرسه
بیش از ۲۰۰ هزار دینار خرج کرد
نظامیه بغداد ۶۰۰۰ طلبه داشت و
محصّلین پس از ختم تحصیلات مقدماتی با شرائط
مخصوصی در آنجا داخل میشدند

اعضاء این دارالعلم عبارت بود

۱- مدرس : که بفرمان شاه انتخاب
و بزرگترین عالم اسلامی برای اینکار
معین می شد

۲- معید : که کمک مدرس بود

۳- نایب : که در غیبت مدرس تدریس

میکرد و در حقیقت معاون مدرس بود

۴- واعظ : که مقام کنفرانس دمنندگان

امروزی را داشت و ماهی چند بار در
موضوعات علمی و ادبی مذهبی نطق و خطابه
ایراد میکرد و شخص وی کسی بود که از
فنون خطابه آگاهی کامل داشت
۵- خزانه دار یا کتابدار

اولین مدرس نظامیه بغداد ابوالحسن شیرازی
است که از طرف آل بارسلان بدین مقام
انتخاب شد ولی چون قبول این منصب را نکرد
مقام او را بابونصر عبدالسید معروف بابن صباغ
مؤلف کتاب شامل سپردند

این صباغ مدت ۲۰ روز بدین مقام
باقی بود تا مجدداً مقام مدرس نظامیه به
ابوالحسن واگذار گردید

از جمله مدرسین معروف نظامیه یکی
امام محمد غزالی طوسی از فقها و مشاهیر

علماء نیمه دوم قرن پنجم و اول قرن
ششم هجری است. غزالی مدت چهار سال در
نظامیه بغداد تدریس کرد و آخر الامر در
آن هنگامی که در عالم اسلامی بی اندازه
مشهور شده بود مناصب و مقامات دنیوی را
ترک گفته و بقصد زیارت بیت الله بمکه رفت
چندی در دمشق بانزوا بسر برد و سپس به
بیت المقدس و از آنجا باسکندریه رفت و
در آن شهر مقیم گردید. بالاخره بطوس عودت
نمود و در آنجا بانزوا بسر برد لیکن پس
از چندی مجدداً تدریس نظامیه نیشابور را بعهده
گرفت و با آنجا رفت (۴۵۰-۵۰۵)

از جمله خطباء این مدرسه زین
الدین عبدالرحیم پسر ابوالقاسم قشیری است
که از جمله وعاظ قرن ششم هجریست

تبریزی که در ۵۰۲ وفات یافته است اولین کتابدار نظامیه بغداد است که پس از چندی مدرس شد و منصب تدریس را بعهده گرفت. خطیب تبریزی از جمله ادبا بزرگ است و آثار مشهور او یکی حماسه و دیگری شرحی که بر معانیات عشر نوشته است. خطیب تبریزی شاگرد ابوالعلاء معری فیلسوف مشهور عرب است

از اولین معید و نایب نظامیه اطلاعی در دست نیست. نظامیه بغداد تا قرن هشتم هجری بزرگترین دارالعلمهای دنیا مخصوصاً عالم اسلامی است که بیشتر علما و بزرگان قرن ششم و هفتم در آنجا تحصیل کرده اند سعدی شاعر بزرگوار ایرانی در این مدرسه تدریس و از آنجا وظیفه سالیانه دریافت

میگردد است

مرا در نظامیه ادرار بود
پس از سقوط حکومت سلاجقه کم کم
از اهمیت و اعتبار نظامیه کاسته شد و مدرسه
مستنصریه بعد از جای آنرا گرفت
مختصری از عقائدالمعلم (نقل از مقدمه
ناصر خسرو)

اما بنابر آنچه از کتاب وجه الدین
و زادالمسافرین و اشعار ناصر خسرو
بر میآید خلاصه عقاید اسمعیلیه از این
قرار است

خدای تعالی را بالاتر از حد صفات
دانند و مبداء علی را بعد از خدا عقل کل و
پس از آن نفس کل دانند عقیده دارند
عالم بتأیید عقل کل و ترکیب نفس کل
بوجود آمده است پس از آن به سه فرشته

فائده‌مند که عبارتند از جد ، فتح ، خیال

فتح را نام اوست فتح بزرگ

بمثالش خیال بسته می‌باشد

(ناصر خسرو مظهر ۱۸ ص ۴۸۸)

عقل کل و نفس کل و سه فرشته

را پنج مد علوی خوانند ، مظهر عقل در این

عالم بعقیده ایشان اینیاء اول العزم هستند بعلاوه

فائم که جمعا ۷ نفرند و آنانرا ناطق گویند

(بعد از عقل و نفس کل) مظهر نفس کل

وصی هر يك از این ناطقین است و آنرا اساس

گویند [درجه چهارم] و بعد از ایشان

در رتبه امامان می‌آیند که با اساس

هفت نفرند .

بعد از امام حجت و سپس داعی و مادون

میآید (بعقیده ایشان هر ناطق در هر دوره هفت
امام بعد از خود دارد)

در اسلام حضرت رسول را ناطق و علی
علیه السلام را اساس و حجت و حسین
و زین العابدین . محمد باقر ، جعفر صادق و پسر
او اسماعیل را ائمه هفتگانه آن دوره میدانستند
و محمد بن اسماعیل قائم و خلفاء فاطمی را جزء
امامان دور قائم دانستند

هر امام را دوازده حجت بود هر کدام
از حجت ۵. در منطقه مخصوصی از زمین حکم
و مأموریت و دعوت و سر پرستی شیعه را
داشتند که این منطقه را جزیره او میگفتند
و در زیر حکم هر يك از حجتان سی نفر داعی نبود
که آنان نیز بنوبه خود عدای از مآذوران در زیر
حکم خود داشتند که بدعوت عامه اشخاص مشغول

بودند کسیرا که تازه بطریقیت آنها داخل می
شد مستجیب میگفتند و درجات آنها
عبارت بود از :

مستجیب . ماذون ، داعی ، حجت امام
اساس ، ناطق (داعی ، حجت ، امام ، اساس
ناطق را حد جسمانی خوانند)
از حجت های دوازده گانه ۴ نفر لازم خدمت
امام زمان و هفت نفر مأمور جزائر سبعه بودند
که از آن جمله (ناصر خسرو حجت جزیره
جز آن بود)



رباعیات اصلی خيام

و شرح زندگانی او

فهرست

صفحه

- | | |
|----|--------------------------------|
| ۱ | سر آغاز-روح خيام |
| | فصل اول-عصر خيام |
| ۱۱ | باب اول عصر خيام از جنبه سياسی |
| ۱۸ | باب دوم « « « مذهبی |
| ۳۰ | باب سوم « « « علمی |
| | فصل دوم-خيام در نظر نويسندگان |
| ۴۰ | باب اول نويسندگان ايرانی |
| ۴۶ | « دوم تاريخ نويسان |
| ۶۴ | « سوم نويسندگان فرنگی |

- فصل سوم - مقایسه خیام با ابوالعلاء معری
باب اول عقیده هر يك آنها را جمع برستاخیز ۹۲
« دوم فلسفه بدبینی و نظر هر يك را جمع بان
۱۰۲
باب سوم نظر آنها را جمع بزندگان و مرگ ۱۰۹
فصل چهارم - شخصیت فلسفی و علمی خیام
باب اول شخصیت علمی و فلسفی خیام ۱۱۸
باب دوم - تالیفات علمی ۱۳۵
باب سوم - رباعیات سیار ۱۵۳

فصل پنجم

- تحقیقات انتقادی را جمع بر رباعیات اصلی خیام
باب اول آغاز تحقیق در باره رباعیات ۱۶۹
دوم مقایسه هبجده متن رباعیات خیام
۱۸۹
باب سوم - شروع بتحقیق و سبب تحقیق ۱۹۸

باب چهارم شخصیت شعری خیام ۲۳۱

« پنجم فقط صد و بیست و یک رباعی اصلی است

۲۵۹

ترجمه دورساله گرانیهان خیام از عربی به فارسی

باب اول رساله کون و تکلیف ۲۹۹

« دوم رساله فلسفی دیگر ۳۲۹

متابعی که در این بخش بدان مراجعه شده است

کتاب اسلامی (فارسی عربی)

ملل و نحل تألیف شهرستانی

الفرق بین الفرق

الفهرست « ابن الندیم

چهار مقاله « نظامی عروضی

آتشکده « آذربیکدلی

ریاض الغارفین « هدایت

مجمع المنهاج النعمان « «

تاریخ الحکماء قنطی علی ابن القاسمی الاشراف یوسف الاصفهانی

آثار البلاد و اخبار البلاد « ذکر بای قزوینی

جامع التواریخ « رشیدالدین فضل الله همدانی

روضه الصفا « میرخواند

مرصاد العباد تألیف شیخ نجم الدین رازی
تاریخ الفی « احمد بن نصر اللہ تسوی
احوال ابوالعلاء معری « احمد حامد صراف
تاریخ گزیده « حمد اللہ مستوفی
دیوان حافظ

حواشی چہار مقالہ تحقیقات علامہ آقای فروزینی
تذکرہ « حاجی خلیفہ

کتب مستشرقین و اروپائی

عمر و رباعیات سیار پرفسور فلانین ژوکوفسکی روسی
ترجمہ رباعیات خیام فیز جerald انگلیسی
تاریخ ادبیات ایران

تألیف پروفسور ادوارد برون انگلیسی

المظفریہ پرفسور ویکتور روزن آلمانی

رسالہ کریستن سن دانمارکی

دائرہ المعارف انگلیسی بریتانی

رسالہ جبر و مقالہ خیام

ترجمہ فرانسه «ویک آلمانی»

غلط نامه

صفحه	غلط	دست
۱۲	در محیط کنند و مردم تأثیر می	
	در محیط تأثیر میکنند و مردم عادی	
۱۶	نومو	و نمو
۵۹	بکمر	بکمر
۶۸	زود	ورزند
۷۰	میگوید	میگردد
۷۷	شخصتهائی	صحیتهائی
۹۴	رعیت	و عنیت
۹۵	بندریج	نـ و بیج
۱۶۲	اینگونه	آنگونه
۱۸۷	متینی	متنی
۱۹۳	حادی	حاوی
۲۱۹	ارتباط	ارنیاط

صفحه	غلط	درست
۲۲۲	استله	مسئله
۲۳۱	متینی	متفی
۲۳۷	هانیم	مانیم
۲۹۵	بخوردم	بخورم
۲۷۲	قلب	قلت
۲۷۳	نوار	نواز
۲۸۳	کابین	کابنها
۱۷۴	دو حسرت	در حسرت
۲۷۵	بگن	کن
۲۷۶	میخورد که زیر گد خواهی خفت	
	میخورد که بزیر گل همی خواهی خفت	
۲۷۷	میخورد	می میخورد
۲۷۷	خفت	جفت
۲۷۷		بر خیز می نوش-بر خیز یا می نوش

صفا	غلط	درست
۲۷۸	مکن	میکن
۲۷۹	خیام گفت	خیام که گفت
۲۸۰	ماومی و مصطبه و نون خراب	
	ماومی و معشوق در این کنج خراب	
۲۸۱	تاره	پاره
۲۷۶	تا	پا
۲۸۶	دارند	دارنده
۲۸۶	غیب	عیب
۲۸۷	بویسته	پیوسته
۲۸۸	گزندی	که رندی
۲۸۹	می جور	می خور
۲۹۱	خیزوها	جزوها
۲۹۲	سوئی	سبوئی
۲۹۲	سطر آخر زیاد با نمره ۱۴۵۲	